مدیریت شهری
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014
۱۹۱-۲۰۵
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷

میزان‌سنجی انگاشتهای ادراک شهروندی از معماری و فضاهای شهری تاریخی با تاکید بر اجتهاد از آنها در معماری معاصر؛ مورد پژوهی: فضاهای شهری و معماری تاریخی شهر تهران

وحید قبادیان- دکترای معماری و هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی‌واحد امارات، امارات.
شهاب ایلکا*- دانشجوی دکتری تخصصی،گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات، امارات.

چکیده
امروزه ادراک شهروندان از فضاهای شهری و معماری، نقشی اساسی در کاربست یا عدم بکارگیری فضاهای شهری و معماری دارد؛ چنانچه نمی‌توان انتظار داشت‌که نحوه چگونگی یا حتی بطور اعم‌تر، استفاده از فضاهای شهری را به شهروندان دیکته کرد. بر این اساس، بازبینی مولفه‌های ادراکی مورد نظر شهروندان خاصه در معماری سنتی می‌تواند راهگشای طراحی فضاهای بدون روح و راکد امروز بوده و حدالمقدور به موارد نادیده و فراموش شده‌ای اشاره‌کندکه در طراحی فضاها و معماری معاصر موثر افتد. در این تحقیق از روش توصیفی- تحلیلی و پیمایشی با روش استدلال منطقی و ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و پرسشنامه‌های باز پاسخ و بسته پاسخ بهره برده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مولفه هایی خاص از نظر شهروندان مانند شگفتی و تحسین، زیبایی، آرامش، منحصر به‌فردی، معمولی، هماهنگی، عدم هماهنگی، تاریخ، زندگی اجتماعی، عظمت، اسرارآمیزی، رویا و بهشت، ظرافت، قدرت، نور، رنگ و عناصر کالبدی، استمرار و تکرار، معنویت، امنیت، لذت و خوشایندی، سرزندگی در معماری سنتی وجود دارد که می‌توان در طراحی فضاهای شهری و معماری معاصر از آنها بهره‌گرفت.
واژگان کلیدی: معماری و فضای شهری، ادراک زیبایی شناختی، فضاهای معماری و شهری سنتی، معماری معاصر و جامعه‌شناسی.

Citizen Perception Survey imaginations amount of historical architecture and urban spaces with an emphasis on contemporary architecture

Abstract
Today, citizens' perception of urban spaces and architecture plays a key role in the application or non-use of urban spaces and architecture. You cannot expect that to how, or even more generally, dictates the use of urban spaces to citizens. Accordingly, a review of the cognitive component can help citizens, especially in the traditional architectural design spaces with no soul and is still today overlooked and forgotten things to point. In this research, descriptive - analytical and logical reasoning and survey methods to collect data: surveys and questionnaires and documents and close benefited. The results indicate that specific components of such wonder and admiration of the citizens, beauty, calm, exclusive - an individual routine, coordination, lack of coordination, history, social life, glory, mysterious, dream and heaven, elegance, power light, color and physical elements of continuity and repetition, spirituality, security, fun and pleasant, the vitality of traditional architecture that can be used in the design of urban spaces and modern architecture.
Keywords: architecture, urban space, perception, aesthetic, architectural and urban areas, traditional, contemporary architecture.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۱۳۰۵۳۰، رایانامه: shahabilka@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

جایگاه مطلوب فضاهای شهری و معماری در اِدراک شهروندان وکاربران فضاهای شهری از یک طرف و بحران هویت در شهرهای که منتج از منها کردن معنا و حس مکان از شهرها می‌باشد، ناشی از برآوردهای منحصراً مادی قرن بیستمی توسعه است. برآوردهایی که سبب شده‌اند راه‌های ارتباطی بیشتر، ارتباطات کمتر و بی‌کیفیت‌تر تولید کنند؛ و شهرهای بزرگتر، انسانهایی با خـــاطـرات و تجربیات حسی محدودتر بیافرینند. فقدان کیفیّت فضاهای شهری در حوزه اِدراکی شهروندان، علاوه بر نمایش تغییرات اساسی پارادایم در فرم شهر، مؤید دگرگونی شیوه ادراک انسانها از پیوستگی با مکان نیز هست. از سویی دیگر، مطالعات کیفیّت محور و پژوهشهای مطلوبیت سنجی فضاهای شهری، سهم بزرگی در عمق بخشیدن به دانش ارتباطات انسان و محیط خاصه در علوم مرتبط با روانشناسی مُحیطی ایفاکرده‌اند. این مطالعات اینک باگذشت بیش از سه دهه، دارای یک بدنه نظری رو به رشد و ترمینولوژی مفاهیم مخصوص به خود شده؛ و در چهارچوبها و نظام‌مندی‌های روانشناسی محیط، اکولوژی انسانی و جامعه شناسی شهری نیز محدود نمانده‌اند.

بر این اساس، در این مقاله به طرح میزان ادراک مطلوب شهروندان از فضاهای سنتی معاصر و ارتباط معنادار آن با طراحی فضاهای رایج معماری از دیدگاه شهروندان معاصر پرداخته شده است. در پایان نیز راهکارهایی عملی و راهبردهایی برای طراحی معماری و فضاهای شهری معاصر ارائه خواهد شد.

مواد و روشها

۱. «**روش تحقیق**»: در مرحله [ادبیّات تحقیق و ارائه مدل مفهومی پیشنهادی] روش تحقیق مشتمل است بر:

o روش «**توصیفی**» و «**تحلیلی**» [به تفصیل]با ابزار «**گردآوری داده**»: مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و دسترسی به‌کتب و نصوص لاتین و درگاه‌های اینترنتی و برقراری مکاتبه با نهادها، ارگانها و موسسات مطالعاتی و متخصصین و صاحبنظران زمینه فوق الذکر.

o روش «**تحلیل محتوا**» [به تفصیل] برای تجمیع، و گردآوری مولفه‌های ادراکی و بااهمیت از نظر شهروندان در پرسشنامه پایلوت از نظرات شهروندان و ارائـه بـرخـی مـفـاهـیـم بـرای تبیین آشکار «قلمروی شناختی» این موضوع.

۲. «**روش تـحـلـیـل**»: در [مـرحله تحلیل و پردازش] داده‌های مرحله قبل، روش تحلیل عبارت است از: در مـرحلـه تـحـلـیـل؛ روش «استدلال منطقی» و روش «انتقادی- تفسیری» در راستای ترسیم «مدل مفهومی» و روش آمار توصیفی و استنباطی در بیان ادراک شهروندان از فضاهای شهری.

۳. «**گردآوری داده ها**»: این تحقیق از انواع ابزارها از جـمـلـه مـطالعه و بررسی اسناد و مدارک نوشتاری و تصویری، آمار رسمی و غیررسمی و پرسشنامه بهره برده است. در ابتدا به منظور ایجاد چارچوبی نظری برای پژوهش از روش مطالعات کتابخانه‌ای بهره جسته است. پرسشنامه نظرسنجی از شهروندان تهیه و تکمیل شده و در مـرحلـه بـعـدی بـر اساس داده‌های پرسشنامه نظرسنجی، تحلیل‌های مربوطه ارائه شده است. طراحی و تکمیل پرسشنامه‌ی سنجش شهروندان از معماری ایرانی- اسلامی‌شهر تهران مدنظر بوده است که هدف اصلی این بخش از تحقیق سنجش ابعاد متفاوت انگاره شهروندان نسبت به معماری ایرانی- اسلامی‌معاصر بوده است.

۴. «**جامعه آماری**»: جامعه آماری در این تحقیق موارد زیر را در بـر مـی‌گـیـرد: جـامعه آماری تحقیق مشتمل بر شهروندان کلانشهر تهران است که در طی دوره تحقیق، نظرات ایشان از طریق پرسشنامه حاصل شده است.

۵. «**روش نمونه گیری**»: روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری در دسترس بوده است. روش نمونه‌گیری در دسترس روشی است کـه در آن اعـضای نـمـونه با توجه به شرایط و محدودیت‌های محقق انتخاب می‌شوند.

۶. «**حجم نمونه**»: برای تعیین حجم نمونه شهروندان از فرمول حجم جامعه‌ی نامعلوم استفاده شده است:

$$n = \frac{Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \times p \times q}{d^2}$$

$$n = \frac{(1.96)^2(1)(0.05)}{(0.08)^2} = 142$$

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در این رابطه n حجم نمونه‌ی آماری، p نسبت موفقیت و $Z\alpha_{/2}$ آماره‌ی مربوط به توزیع نرمال استاندارد برای سطح خطای (α =۰.۰۵) می‌باشدکه مقدار آن برابر ۱.۹۶ می‌باشد.

۷. «**آزمون‌های آماری**»: آزمون آماری مورد استفاده در پرسشنامه‌ی مرحله‌ی دوم تحقیق، آزمون یکنواختی و یاکای مربع تک نمونه‌ای بوده است.

۸. «**روش تجزیه و تحلیل**»: تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق توسط نرم افزار spss صورت‌گرفته است.

۹. «**روایی و پایایی تحقیق**»: نظرکارشناسان و اساتید در مورد روایی این پرسشنامه‌ها مثبت بوده و بنابراین می‌توان انتظار داشت‌که پرسشنامه‌های مورد استفاده در تحقیق دارای روایی محتوایی و صوری باشند.

۱۰. «**قلمرو مکانی و زمانی تحقیق**»: محدوده تحقیق ابنیه و بافتهای تاریخی کلانشهر تهران بوده که به صورت تصادفی نظرات شهروندان از میزان ادراک ایشان از فضاها و معماری موجود برآورد شده است. قلمرو اصلی تحقیق میدان امام (ره)، میدان بهارستان، و مجموعه بازار قدیم تهران بوده است.

ادبیات و مبانی نظری

ادراک

بررسی سیر تحول تمدن و فرهنگ بشر در طول تاریخ نشان می‌دهدکه انسانها از طریق تفکّر و اِدراک بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و از این طریق با یکدیگر ارتباط بر قرار می‌کنند. «فِرگه» در این ارتباط می‌گوید:

«وقتی اِدراکی به چنگ آید، در آغاز فقط تغییری در جهان درونی کسی که آن اِدراک را به چنگ آورده ایجاد می‌کند، ولی از حیث ماهیت خودش همچنان دست نخورده باقی می‌ماند، زیرا تغییراتی که در آن ایجاد می‌شود فقط در اوصاف غیر ذاتی آن است» (فرگه، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰).

لذا می‌توان گفت:

۱. «**اِدراک**»[۱]: حُصول صورت شیء در عقل را اِدراک می‌گویند؛ خواه شیء مذکور مُجَرد باشد یا مادی، جزئی باشد یاکلی، حاضر باشد یا غالب یا اینکه در ذاتِ مدرک یا در آلتِ حس او حضور یابد.

۲. «**اِدراک مُحیطی**»: اِدراک عبارت است از: «**تجربه حسی ما از دنیای پیرامون‌مان و مستلزم بازشناسی و شناخت مُحرّک‌های مُحیطی و نیز اقدامات واکنشی به این مُحرّک‌هاست.**» ما از طریق فرایند اِدراکی، درباره عناصر مُحیطی که برای بقای ما جنبه حیاتی دارند، اطلاعات به دست می‌آوریم. اِدراک نه تنها تشکیل دهنده تجربه از دنیای پیرامونمان است بلکه به ما اجازه می‌دهدکه درون مُحیطمان به فعالیت و عمل بپردازیم.[۲]

۱. «مُلاصدرا» تمام درجات و مراحل ادراک را که سلسله‌ای از پدیده‌های جسمانی و نفسانی غیر مادی است ناشی از موجود مادی خارجی می‌داند. بعقیده ملاصدرا تأثیرگذاری اشیاء بر روی حواس ما فقط نیمه‌راه ادراک است، وکسانی‌که ــ مانند حسگرایان ــ از مرحله تجربه و حسّ فراتر نرفته‌اند در واقع، به‌نیمه‌راه قناعت‌کرده‌اند و طبعاً نمی‌توانند (و نباید) فرآیند سیر کامل ادراک بعد از حس را انکارکنند. حواس انسان (مثلاً بینایی) ناتوانتر از آنستکه واقعیت خارجی را در صفحه ذهن منعکس و برای ما علم، ایجادکند. علائمی رمزگونه‌که چشم به مغز مخابره می‌کند بیش از یک «شبح» (یعنی تصویر کمرنگ و مبهم اشیاء) نمی‌باشد و این مقدار، علم و شناخت شمرده نمی‌شود زیرا علم در فلسفه ملاصدرا باید «کاشفیت» و بیرون‌نمایی صریح داشته باشد و شبح و تصویر مادی اشیاء، اینگونه بیرون‌نما نیست. و برای تأمین کاشفیت ادراک و علم بایستی با ماهیت اشیاء خارجی سروکار داشته باشد. (فرق شبح با ماهیت و صورت آن است‌که اگر به صورت ذهنی وجود خارجی داده شود همان شیء خارجی خواهد شد (ولی شبح اینگونه نیست).

۲. «**فرآیند ادراکی**» دنباله‌ای از مراحل است‌که از محیط شروع می‌شود و به درک ما از یک محرک و اقدام واکنشی نسبت به آن محرک می‌انجامد. این فرایند در موارد زیر خلاصه می‌شود: «۱. محرک محیطی: دنیا پر است از محرک‌هایی که از طریق حواس مختلف می‌توانند توجه ما را جلب‌کنند، ۲. «محرک مورد توجه»: محرک مورد توجه، شیء بخصوصی در محیط است‌که توجه ما بر روی آن متمرکز شده است.، ۳. «تصویر بر روی شبکیه»: سپس، محرک مورد توجه به صورت یک تصویر بر روی شبکیه شکل می‌گیرد.، ۴. «تبدیل»: تصویر روی شبکیه سپس به سیگنال‌های الکتریکی تغییر شکل می‌یابد، ۵. «پردازش عصبی»: آنگاه سیگنال‌های الکتریکی تحت پردازش عصبی قرار می‌گیرند؛ ۶. «ادراک»: در مرحله بعد از فرایند ادراک، ما شیء محرک در محیط را به طور واقعی درک می‌کنیم. در این مرحله است‌که ما به طور هشیارانه از آن محرک آگاهی می‌یابیم. ۷. «بازشناسی و شناخت»: ادراک فقط مستلزم آگاهی هشیارانه از محرک‌ها نیست. علاوه بر آن مغز ما باید آنچه حس کرده‌ایم را رده‌بندی و تفسیرکند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

اِدراک در علم روانشناسی محیطی

در تبیین ماهیت اِدراکی، که متأثر از حالات روانی در وضعیت طبیعی و یا غیرطبیعی هستند، نظریه‌های متفاوتی ارایه شده است که از بین آن‌ها می‌توان به نظریات زیر اشاره‌کرد:

۱. «**نظریه گشتالت**»: این نظریه بر اهمیت روابط بین مُحرّک‌ها تاکید دارد. اگر چه به صورت کلی می‌توان خطاهای اِدراکی را بر پایه این نظریه تبیین کرد، ولی استثناهایی را، که بر پایه تقابل و رد تصویرهای شکلی ایجاد می‌شوند، شامل نمی‌شود.

۲. «**نظریه حرکت چشم**»: در این نظریه‌اندازه و جهت خطاهای اِدراکی را بر اساس حرکات جهشی چشم‌ها تبیین می‌کنند. در اینجا فرض بر این است که خطاهای احتمالی بر اثر دخالت الگوهای خطی رخ می‌دهند و کنشی از حرکت‌های چشم هستند. انتقادی که به این نظریه وارد است این است‌که، حرکت‌های جهشی چشم بیشتر معلول خطای اِدراکی است تا علت آن. مثلا خطای اِدراکی لامسه را نمی‌توان بر این مبنا تبیین‌کرد.

۳. «**نظریه فاصله ظاهری**»: در این نظریه تاکید بر این است که خطاهای اِدراکی شکلی که شامل نشانه‌های تصویری عمق هستند، مکانیزم‌های ثبات را درگیر می‌سازند. البته این تبیین درباره تجربه‌های عمق و ثبات در ترسیم صحنه‌های سه‌بعدی قابل کاربرد است، اما درباره بسیاری از خطاهای شکل قابل استناد نیست.

۴. «**نظریه جابجاسازی عصبی**»: طبق این نظریه، به وسیله یک فرایند بازدارنده جانبی در مغز، یک طرح اِدراکی موجب جابجاسازی طرح دیگری می‌گردد. در نتیجه زاویه‌های خطوط متقاطع، اشتباه اِدراک می‌شوند. این نظریه هم اگرچه می‌تواند بسیاری از خطاهای اِدراکی مربوط به جهت خطوط را تبیین‌کند، اما در مورد خطاهای لامسه‌کاربرد ندارد.

قانونهای سازماندهی ادراکی

روان‌شناسان گشتالت معتقدندکه درگشتالت یا هیأت‌کل نیروی خاصی وجود داردکه مسائل و امور را در طرحها، شکلها و قالبهای معینی سازمان می‌دهد و اساس ادراک و بینش را پایه‌ریزی می‌کند. به این جهت سازماندهی از

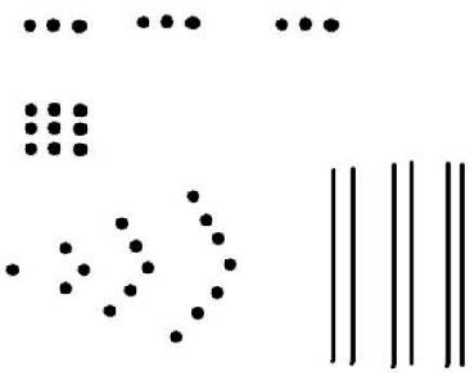


نمودار ۱. فرآیند شکل گیری ادراک محیطی؛ نگارنده بر اساس ایروانی، ۱۳۸۱، چ ۱۱.

ویژگیهای‌کلی رفتار به شمار می‌آید و از قانونهایی به شرح زیر تشکیل یافته است.

۱. «**قانون فراگیری**»: یکی از مهمترین قانونهای گشتالت به قانون فراگیری یا جامعیت معروف است. از ویژگیهای قانون فراگیری **نظم و ترتیب**، **تقارن**، **سادگی**، **تناسب**، **استواری**، **پایداری** و مانند اینهاست. در روان‌شناسی مانند فیزیک حالت تعادل نقش مهمی را برعهده دارد. قانون فراگیری را باید قانون تعادل نامید. همان‌طورکه در علم فیزیک اصول ماکزیمم و می‌نیمم حاکم است. در حالتهای روانی، با ملاحظات خاص خود نیز عین همین قوانین حکمفرماست. برای نمونه، وقتی آبگونه‌ها در سطح ناهموار قرار می‌گیرند. به سوی وضع متعادل رو می‌آورند.

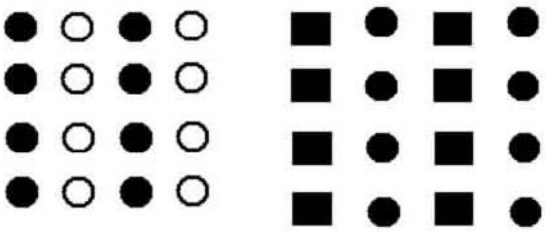
۲. «**قانون مجاورت**»: بیانگر عوامل سازنده یک میدان است‌که در نتیجه نزدیک بودن به یکدیگر تشکیل دسته یا رده‌های مشخصی را می‌دهد. هر چه این واحدها بیشتر به هم نزدیک باشند، احتمال همبستگی آنها بیشتر است. به طوری که در شکل زیر دیده می‌شود



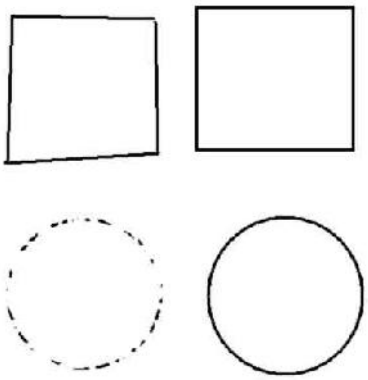
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

نقطه‌هایی که نزدیک به هم هستند یک واحد یا یک دسته مستقل را به وجود می‌آورند.

۳. «**قانون مشابهت**»: در قانون مشابهت موارد مشابه بر حسب ویژگیهای خاصی که دارند، مانند شکل و رنگ و جز آن، گروههای مشترکی را به وجود می‌آورند، مشروط بر آنکه ضابطه‌های قانون مجاورت در آنها حکفرما نباشد. به سخن دیگر، بنا به قانون مشابهت، اشیایی که از لحاظ شکل و رنگ مشابه و همانند ادراک می‌شوند به صورت گروههای مشخص سازمان می‌یابند. برای مثال، اگر به فردی قالبهای ساختمانی در هم ریخته‌ای را بدهند و از او بخواهند که از آنها دسته‌های معینی بسازد، او معمولاً قالبهایی راکه از لحاظ شکل و رنگ به نحوی با یکدیگر مشابهت دارند در یک دسته قرار می‌دهد.



۴. «**قانون بستگی**»: در قانون بستگی کوشش روان‌شناسان گشتالت بر این بوده است که نشان دهند در امر ادراک سطوح بسته یا شکلهای کامل از سطوح باز یا شکلهای ناتمام دارای وضعی پایدارتر و مطلوب‌تر می‌باشند این امر شاید به این جهت باشد که شکلهای نسبتاً آسانی را تشکیل می‌دهند.

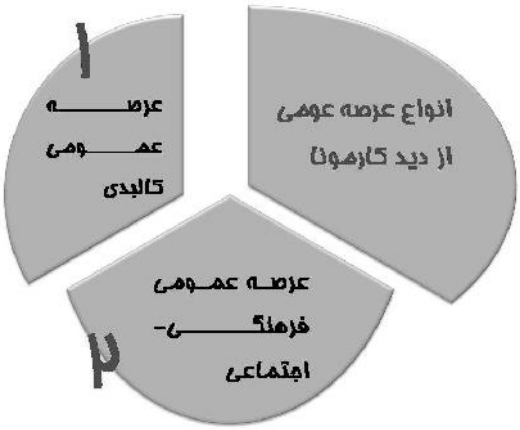


فضای شهری

فضاهای شهری از آن دسته از فضاهای باز عمومی در شهر هستند که بستر تعاملات اجتماعی بوده و دارای سه شاخص اصلی عرصه عمومی شهر می‌باشند: «**عمومی بودن، باز بودن و بستر تعاملات اجتماعی**» (پاکزاد، ۱۳۹۰). برای فضای شهری، تعاریف متعددی از جمله فضای زندگی و فعالیت‌های جمعی و اجتماعی، فضای تعاملات و فضایی با تناسبات زیبایی شناسانه ذکر می‌شود. فضاهای شهری می‌توانند به تناسب فرهنگ و اقلیم، فضاهایی سرپوشیده و مسقف نیز باشند؛ بنابراین فضای شهری فضایی عمومی و عام است که دسترسی همگان به آن امکان پذیر بوده و به عنوان مفصل فضاهای مختلف و مکان دسترسی به فضاها و عملکردهای عدیده‌ای ایفای نقش می‌کند. طبیعی است که اگرچه می‌توان برای فضای شهری ویژگی‌های کالبدی خاصی را تعریف کرد، اما این ویژگی ها، ویژگی‌های استانداردی نیستند و در جوامع مختلف تمایزات و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. فضای شهری[3] پدیده‌ای سازمان یافته است از اطلاعاتی که در صور مختلف فرم، عملکرد و معنا تجلی می‌یابد. بستر شکل گیری و ارتقا زندگی اجتماعی یک جامعه که بیانگر فرهنگ و شیوه شهر نشینی یک تمدن می‌باشد. فضای شهری عینیتی است برخاسته از تلفیق روابط اجتماعی، در بستری کالبدی، در زمینه ای معنایی و در راستای عملکردهایی مورد نیاز جمعی انسانی. آنچه در شهرهای امروز ما دیده می‌شود نه فضای شهری که فضاهایی خالی محصول کنار هم قرار گرفتن بناها و تکه‌های باقی مانده از توده هایی هستند که کمتر معنا و مفهومی‌را به ذهن متبادر می‌کنند. شاید اینگونه باشد که در شهر؛ اول ساختمانها ساخته می‌شوند و آنچه باقی می‌ماند، فضای شهری است. مهمترین ابزار درجهت تقویت جامعه مدنی تقویت عرصه‌های عمومی است و اما درمیان عرصه‌های عمومی، فضای شهری فضایی است که با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی اش می‌تواند عرصه مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی ارائه دهد. فضایی که مکان تعاملات اجتماعی، برخوردهای اجتماعی، تبادلات

3. Urban space

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۲. انواع عرصه عمومی‌از دیدگاه کارمونا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس کارمونا، ۲۰۰۳.

اجتماعی و محملی برای انواع فعالیت هاست (حبیبی، ۱۳۸۰). «**کرمونا**» نیز عرصه عمومی‌را در دو بعد «**عرصه کالبدی**»[۴] و «**عرصه عمومی‌فرهنگی- اجتماعی**»[۵] مورد بررسی قرار می‌دهد. (Carmona، 2003:11)

«**کوین لینچ**» با انتشار «**تئوری شکل خوب شهر**» در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقاء کیفیت زندگی شهری را درگرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می‌دارد:

۱- «**سرزندگی**»: به مفهوم امکان بقای زیست شناختی و جامعه شناختی انسان در محیط شهر؛

۲- «**معنی (حس)**»: به معنی نقش انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری؛

۳- «**سازگاری**»: به منظور انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و مدارهای رفتاری؛

۴- «**دسترسی**»: به مفهوم سهولت نفوذ فیزیکی به بخش‌های مختلف بافت شهری؛

۵- «**کنترل و نظارت**»: به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همانی؛

۶- «**کارایی**»: کارا بودن هریک از معیارهای فوق باتوجه به هزینه؛ و

۷- «**عدالت**»: پرداخته شدن هزینه معیارها از طریق سازمان یا طبقه اجتماعی که باید برای آن هزینه‌کنند.[۶]

یکی از مشهورترین مجموعه کیفیتهای طراحی شهری مجموعه ارائه شده توسط «**یان بنتلی و همکارانش**» در کتاب «**محیط‌های پاسخده**»[۷] است. این ۷ معیارکه باید در ایجاد محیطهای پاسخده رعایت شوند عبارتند از: «**نفوذپذیری**»؛ «**گوناگونی**»؛ «**خوانایی**»؛ «**انعطاف پذیری**»؛ «**تناسبات بصری**»؛ «**غنای حسی**»؛ و «**رنگ تعلق**».

مدلهای ادراک‌سنجی محیطی

علاوه بر بیان پارامترهای کیفیتی محیط، نظریه پردازان نیز مدل‌هایی برای طبقه‌بندی این کیفیات ارائه‌کرده‌اند. سه مدل عام در این زمینه عبارتند از:

۱. «**مدل لنگ**[۸]؛ **نیازهای انسانی**»: این مدل با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو تدوین شده است. براساس این مدل می‌توان کیفیت محیط شهری را برحسب برآورده ساختن گونه‌های مختلف نیازهای انسان یعنی: نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به ایمنی و

4. Physical Public Realm
5. Socio-Cultural Public Realm

۶. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: لینچ،کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل خوب شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. انتشارات دانشگاه تهران.

۷. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: بنتلی، یان (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه: بهزادفر، مصطفی، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

8. John Lang

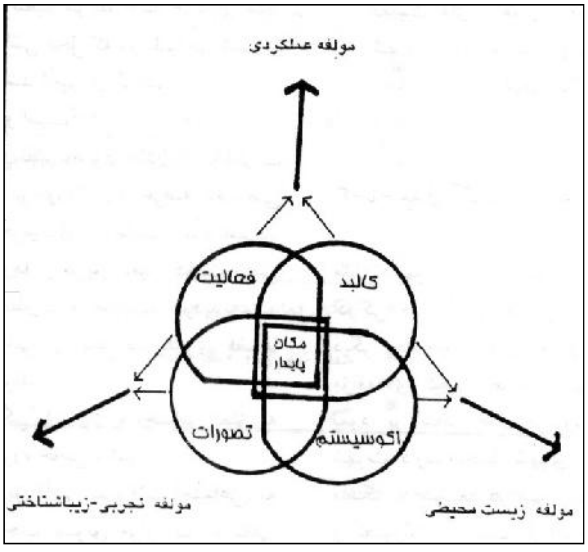
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

امنیت، نیاز به وابستگی و احساس تعلق، نیاز به عزت و اعتماد به نفس، نیاز به تحقق خویشتن و خودشکوفایی و نیازهای شناختی- زیباشناختی طبقه بندی نمود. لذا لازم است تا محیط شهری نیازهای متفاوت انسانی را برآورده سازد (عباس زادگان، ۱۳۸۴).

۲. «**مدل اپلیارد**[9]؛ **حالت‌های اِدراک انسانی**»: براساس مدل پیشنهادی اپلیارد، می‌توان مؤلفه‌های گوناگون کیفیت طراحی شهری را براساس پاسخگویی به حالات اِدراکی مختلف انسان سازمان دهی و طبقه بندی نمود. اپلیارد واکنش‌های اِدراکی انسان در برابر محیط را به سه حالت زیر تفکیک می‌کند:

- «**حالت واکنشی- عاطفی**»[10]، که در برگیرنده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به محیط است و در این حالت محیط به عنوان مُحرّکی جهت بر انگیختن احساسات و تداعی معانی تلقی می‌گردد؛
- «**حالت عملیاتی**»[11]، که غالباً توسط افراد در زندگی روزمره مانند تردد از مکانی به مکان دیگر جهت کار، ملاقات به‌کارگرفته می‌شود؛
- «**حالت استنباطی**»[12]، که افراد برای حمایت از فعالیتهای عملیاتی و واکنش‌های عاطفی فوق، در جستجوی کسب اطلاعات از محیط و نهایتاً فهم معنی آن هستند. در این وضعیت اطلاعات استنباط شده، موجب روشن گردیدن هویت فردی و جمعی محیط و جامعه مرتبط با آن و نهایتاً حس مکان می‌گردد.

۳. «**مدل کانتر؛ مؤلفه‌های مکان**»[13]: مدل مشهور دیوید کانتر، از پیشگامان مطالعات اِدراکی معماری و طراحی شهری را می‌توان یکی از چارچوب‌های نظری که قادر به «تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری» است، محسوب نمود. بر اساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آنجا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است. می‌توان مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری را مؤلفه‌هایی به موازات مؤلفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه مکان کانتر می‌توان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هریک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیتهای سه گانه «**کالبدی**»، «**فعالیتی**» و «**تصوری**» محیط شهر است (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۶۵-۳۸).

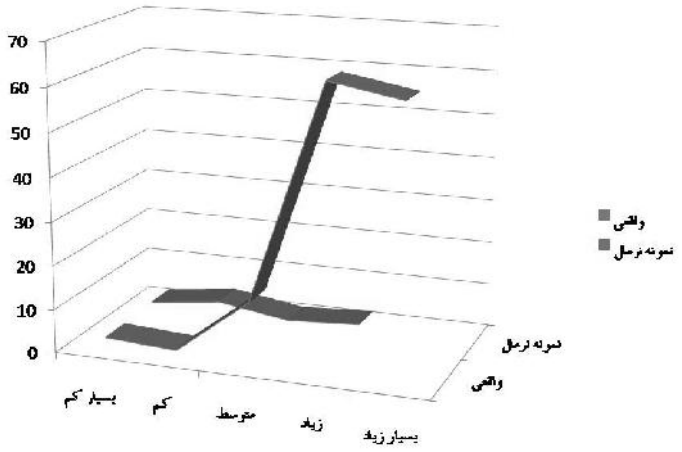


نمودار ۳. مدل مکان پایدار؛ ماخذ: گلکار، ۱۳۸۰، ص ۵۴.

9. Applyard
10. Responsive Mode
11. Oprational Mode
12. Inferential Mode
13. Canter

۱۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه صفه شماره ۳۲. صص ۶۵-۳۸

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۴. نقش معماری ایرانی- اسلامی‌در انگاشتهای ذهنی شهروندان تهران؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

گلکار نیز با اشاره به پیشرفت دانش طراحی شهری در دهه‌های اخیر و همچنین مطرح شدن بحث پایداری مبتنی بر بوم شناسی و توجه به محیط به نارسایی مدل کانتر به عنوان یک مدل مرجع در این زمینه اشاره‌کرده و عنصر اکوسیستم را به‌کالبد، فعالیت و تصورات در مدل کانتر می‌افزاید. وی این ترکیب جدید را مدل مکان پایدار می‌نامد.[۱۴] تطبیق این مدل با معیارهای سه‌گانه پایداری یعنی مولفه اجتماعی، اقتصادی و محیطی نشان می‌دهدکه مولفه‌های زیست محیطی دقیقا منطبق بر بعد محیطی است. دو مولفه دیگر عملکردی و تجربی- زیبایی شناختی را بسته به معیارهای ارائه شده در مورد هر مولفه می‌توان به صورت زیر مجموعه ای مشترک از دو بعد از ابعاد سه گانه دانست. به طور ویژه مولفه عملکردی و تجربی- زیبایی شناختی را می‌توان در زیر مجموعه مشترکی از بعد اجتماعی و محیطی دانست. گلکار در آزمون مدل پیشنهادی خود برای مکان پایدار معیارهای کیفیتهای ارائه شده توسط متخصصین را در ذیل سه مولفه خود طبقه بندی می‌کند و مجموعه آنها را نمایش می‌دهد.

یافته‌های تحقیق

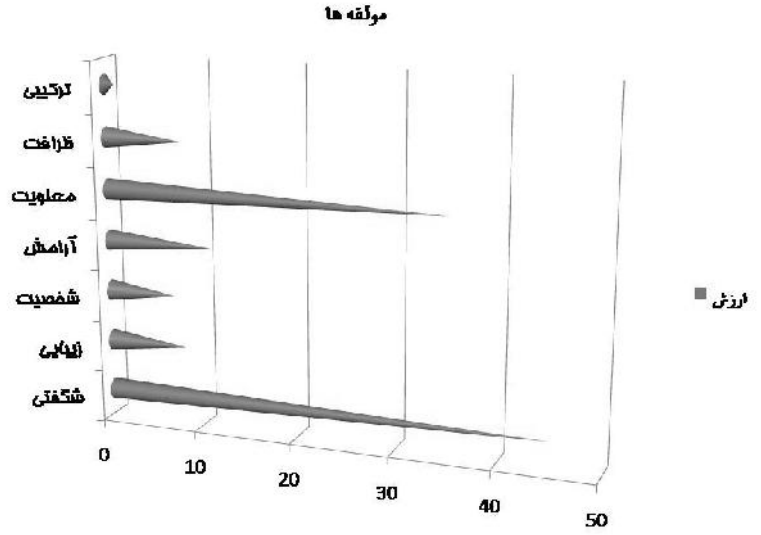
به منظور بررسی و تحلیل فرضیه این تحقیق مبنی بر میزان ادراک شهروندان از فضاهای معماری و شهری معاصر خاصه ابنیه تاریخی، از آزمون کای دو نمونه‌ای استفاده می‌کنیم که نتایج حاصل از این آزمون در ذیل آمده است:

همان طورکه در جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد، عدد معنی‌داری به دست آمده تقریباً برابر با صفرگردیده است که از سطح خطای استاندارد ()کمتر است. بنابراین فرض مبنی بر یکنواختی توزیع مورد تایید قرار نمی‌گیرد. با توجه به نتیجه بدست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها در جدول می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد می‌باشد، به طوری که ۸۸.۱ درصد از فراوانی دادها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان نتیجه گیری کرد که معماری ایرانی- اسلامی‌نقشی اساسی در انگاشتهای ذهنی شهروندان تهرانی دارد.

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون کای‌دو مربوط به سوال نقش معماری ایرانی- اسلامی‌در انگاشت ذهنی شهروندان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

آماره کای دو	درجه آزادی	عدد معنی داری
۱۴۰.۳۲۴	۴	۰.۰۰۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۵. انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

ابعاد روانشناختی

به منظور تجزیه و تحلیل بعدکلی و روانشناختی انگاشت ذهنی شهروندان نسبت به معماری ایرانی- اسلامی‌سنتی که از پاسخ‌های سوالی بازپاسخ تحت عنوان: احساس‌کلی شما به هنگام رویت بناهای تاریخی (شهر تهران) چه بوده است؟)، ابتدا تمام صفتها و عبارات، استخراج و سپس صفتها در غالب عناوین مختلف دسته‌بندی شدند. این عنوان‌ها عبارتند از: شگفتی و تحسین، زیبایی، آرامش، منحصر به‌فردی، معمولی، هماهنگی، عدم هماهنگی، تاریخ، زندگی اجتماعی، عظمت، اسرارآمیزی، رویا و بهشت، ظرافت، قدرت، نور، رنگ و عناصرکالبدی، استمرار و تکرار، معنویت، امنیت، لذت و خوشایندی، سرزندگی و شفافیت، صفت‌های منفی، عبارت‌های ترکیبی و طبقه‌ای با عنوان متفرقه‌که مختص به عبارات یا صفاتی است‌که قابل دسته‌بندی در عنوان‌های پیشین نبودند. نکته‌ی قابل ذکر دیگر این است‌که از آن جاکه هر پاسخ دهنده‌ای اجازه داشته تا به هر تعداد صفت و عبارت در مورد سوال‌های باز پاسخ اشاره‌کند، با وجودی‌که تعداد پاسخ دهندگان سوالات باز پاسخ‌کم‌تر از سوالات بسته پاسخ می‌باشد، با این حال در بعضی موارد ممکن است که تعداد پاسخ‌ها از تعدادکل نمونه بیشتر باشد. همان طورکه مشاهده می‌گردد، بیشترین فراوانی مربوط به صفات زیر مجموعه‌ی گروه‌های شگفتی و معنویت می‌باشندکه به ترتیب ۵۳ و ۳۳ درصد از انگاشت ذهنی شهروندان به آن اشاره‌کرده‌اند. در ذیل نمودار مربوطه ارائه شده است.

ابعاد معرفت‌شناختی و زیبایی‌شناختی

در اینجا منظور از ابعاد معرفتی، صفاتی است‌که از مرحله قبل و در قالب سوال باز پاسخ قبلی استخراج شده است. به منظور بررسی این صفات از آزمون‌کای دو تک نمونه ای استفاده شده است. با این استدلال‌که یکی از جفت صفات مورد بررسی از دیدگاه پاسخ دهندگان انتخاب گردد.

۱. بررسی صفت «**ساده**» در مقابل «**پیچیده**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت‌که گرایش پاسخها به سمت گزینه‌های تاییدکننده صفت پیچیدگی می‌باشد؛ به طوری‌که ۷۶ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت‌که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت ساده و پیچیده، صفت پیچیدگی را در مورد معماری ایرانی - اسلامی برگزیده‌اند.

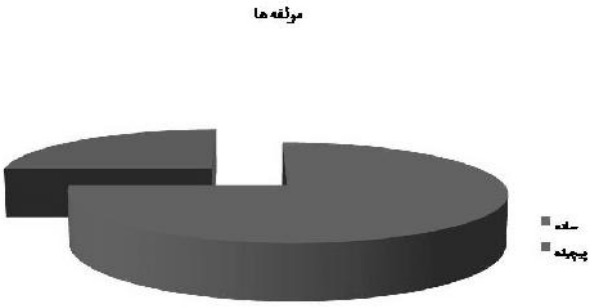
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۲. بررسی صفت «**منطقی**» در مقابل «**شهودی**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه‌گرفت‌که‌گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت شهودی می‌باشد؛ به طوری‌که ۵۹ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان‌گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت منطقی و شهودی، صفت شهودی را در مورد معماری ایرانی - اسلامی‌بر گزیده‌اند.

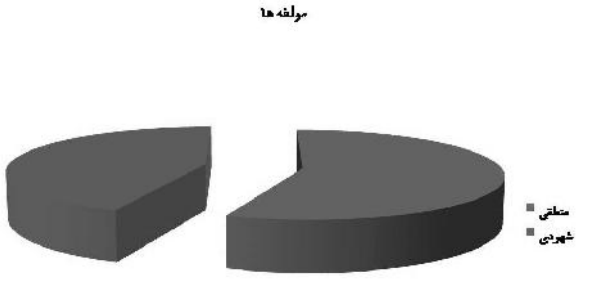
۳. بررسی صفت «**خوشایند**» در مقابل «**ناخوشایند**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه‌گرفت‌که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت خوشایند می‌باشد به طوری‌که ۸۸ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که شهروندان بین دو صفت خوشایند و ناخوشایند، صفت خوشایند را در مورد معماری ایرانی - اسلامی‌بر می‌گزینند.

۴. بررسی صفت «**مادی**» در مقابل «**معنوی**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه‌گرفت‌که‌گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تاییدکننده صفت معنوی می‌باشد؛ به طوری‌که ۸۷.۳ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت مادی و معنوی، صفت معنوی را در مورد معماری ایرانی - اسلامی‌بر می‌گزینند.

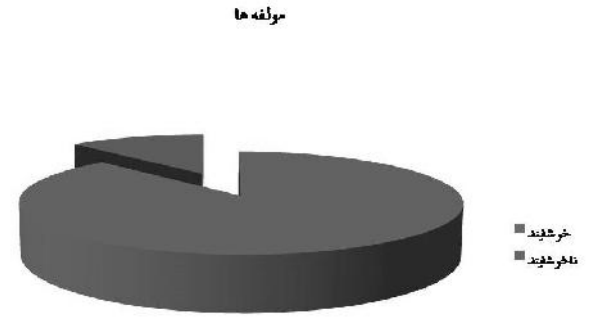
۵. بررسی صفت «**ظریف**» در مقابل «**خشن**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه‌گرفت‌که‌گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تاییدکننده صفت ظریف می‌باشد؛ به طوری‌که ۸۹.۵ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت ظریف و



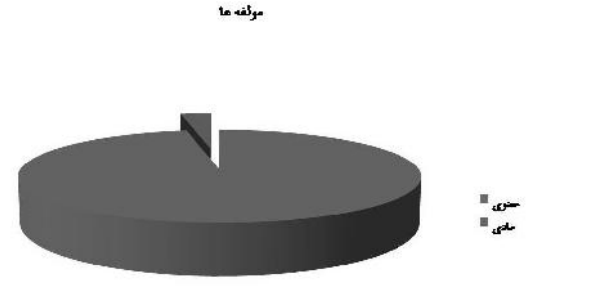
نمودار ۶. بررسی سادگی و پیچیدگی؛ ؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



نمودار ۷. بررسی صفت منطقی و شهودی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



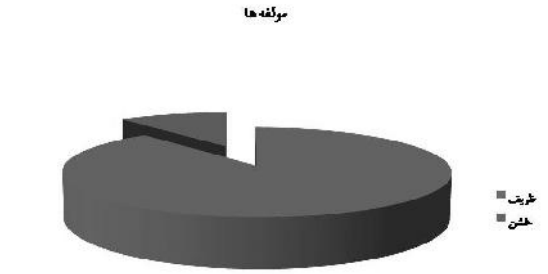
نمودار ۸. بررسی صفت خوشایند و ناخوشایند؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



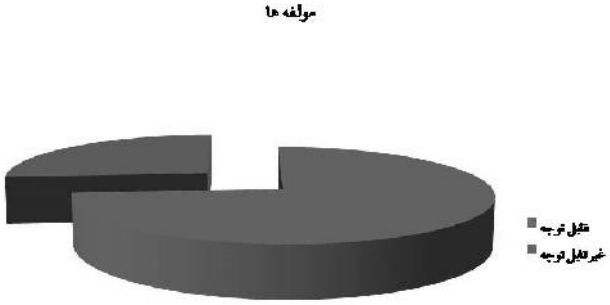
نمودار ۹. بررسی صفت مادی و معنوی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

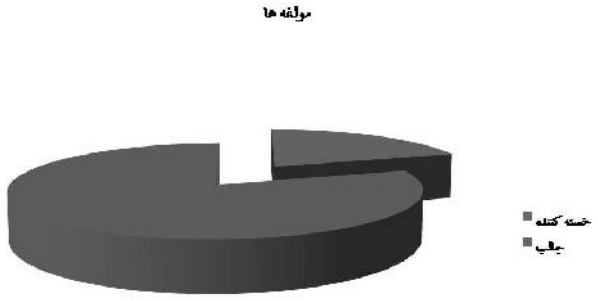
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



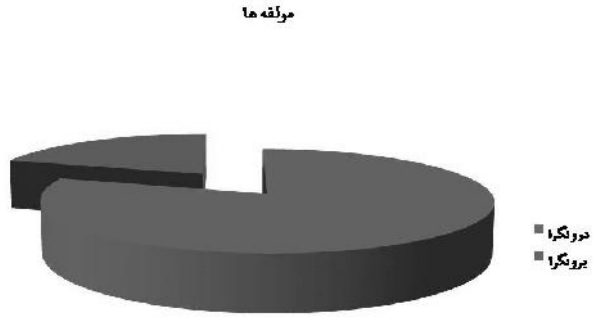
نمودار ۱۰. بررسی صفت ظریف و خشن؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



نمودار ۱۱. بررسی صفت برجسته و قابل توجه در برابر کم اهمیت و غیرقابل توجه؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



نمودار ۱۲. بررسی صفت «خسته کننده» در مقابل «جالب»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



نمودار ۱۳. بررسی صفت «درون گرا» در مقابل «برون گرا»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

خشن، صفت ظریف را در مورد معماری ایرانی - اسلامی برمی‌گزینند.

۶. بررسی صفت «**برجسته و قابل توجه**» در مقابل «**کم اهمیت و غیر قابل توجه**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تاییدکننده صفت برجسته و قابل توجه می‌باشد؛ به طوری که ۸۳ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت برجسته و قابل توجه، و کم اهمیت و غیر قابل توجه، صفت برجسته و قابل توجه را در مورد معماری ایرانی - اسلامی برمی‌گزینند.

۷. بررسی صفت «**خسته کننده**» در مقابل «**جالب**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت جالب می‌باشد به طوری که ۵۲ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت خسته‌کننده و جالب، صفت جالب را در مورد معماری ایرانی - اسلامی برمی‌گزینند.

۸. بررسی صفت «**درون گرا**» در مقابل «**برون گرا**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت درون گرا می‌باشد به طوری که ۸۵ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت درون گرا و برون گرا، صفت درون گرا را در مورد معماری ایرانی - اسلامی‌بر می‌گزینند.

۹. بررسی صفت «**صریح و آشکار**» در مقابل «**اسرارآمیز**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که

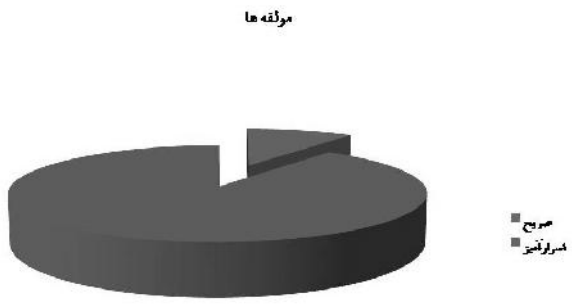
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت اسرارآمیز می‌باشد به طوری‌که ۶۸.۵ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت صریح و آشکار و اسرارآمیز، صفت اسرارآمیز را در مورد معماری ایرانی ـ اسلامی بر می‌گزینند.

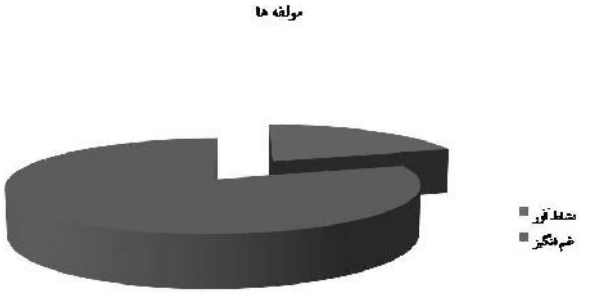
۱۰. بررسی صفت «**غم انگیز**» در مقابل «**نشاط آور**»: بنابراین با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت غم انگیز می‌باشد به طوری‌که ۶۳.۷ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت غم انگیز و نشاط آور، صفت نشاط آور را در مورد معماری ایرانی ـ اسلامی بر می‌گزینند.

۱۱. بررسی صفت «**آرامش بخش**» در مقابل «**اضطراب آور**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخها به سمت گزینه‌های تاییدکننده صفت آرامش‌بخش می‌باشد به طوری‌که ۹۵ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت آرامش بخش و اضطراب‌آور، صفت آرامش بخش را در مورد معماری ایرانی ـ اسلامی بر می‌گزینند.

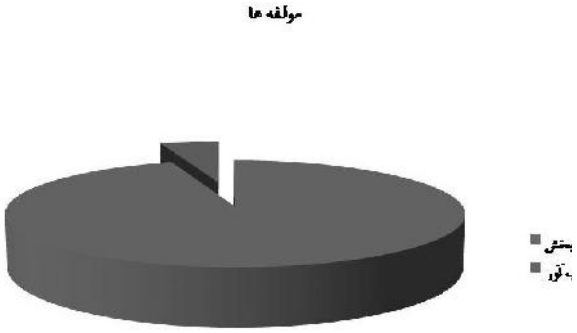
۱۲. بررسی صفت «**منحصر به فرد**» در مقابل «**معمولی**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت منحصر به فرد می‌باشد به طوری‌که ۸۷.۴ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت منحصر به فرد و معمولی، صفت منحصر به فرد را در مورد معماری ایرانی ـ اسلامی بر می‌گزینند.



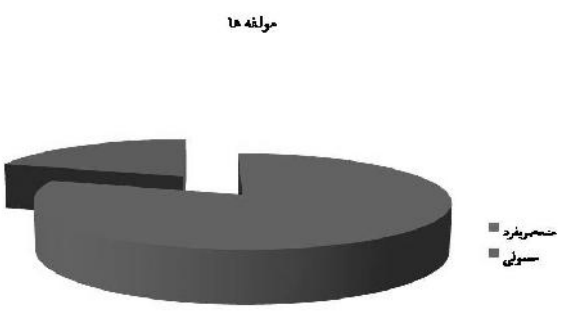
نمودار ۱۴. بررسی صفت «صریح و آشکار» در مقابل «اسرارآمیز»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



نمودار ۱۵. بررسی صفت «غم انگیز» در مقابل «نشاط آور»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

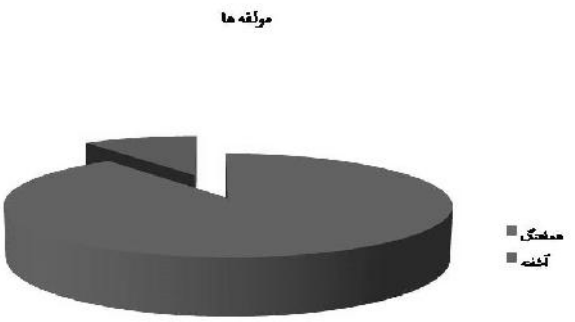


نمودار ۱۶. بررسی صفت «آرامش بخش» در مقابل «اضطراب آور»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.



نمودار ۱۷. بررسی صفت «منحصر به فرد» در مقابل «معمولی»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۱۸. بررسی صفت «هماهنگ» در مقابل «آشفته»؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

۱۳. بررسی صفت «**هماهنگ**» در مقابل «**آشفته**»: با توجه به نتیجه به دست آمده از آزمون و توزیع فراوانی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گرایش پاسخ‌ها به سمت گزینه‌های تایید کننده صفت هماهنگ می‌باشد؛ به طوری که ۹۱.۶ درصد از فراوانی داده‌ها را به خود اختصاص داده است. پس می‌توان گفت که انگاشتهای ذهنی از معماری و فضاهای شهری سنتی بین دو صفت هماهنگ و آشفته، صفت هماهنگ را در مورد معماری ایرانی ـ اسلامی برمی‌گزینند.

تجزیه و تحلیل

سوال اصلی تحقیق چگونگی انگاره ادراکی شهروندان از معماری سنتی ایرانی اسلامی بوده و قرار دادن داده‌های تحقیق در مدل پژوهش ماتریسی چهار خانه ای را تشکیل خواهد داد. بر اساس داده‌ها، در چارچوب مدل مفهومی تحقیق نتایج تحقیق به‌گونه زیر می‌باشد:

۱. بعدکلی ـ روانشناختی: همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد، ابزار سنجش این بعد از انگاره سوالی باز پاسخ بوده است که از پاسخ دهندگان خواسته تا احساس کلی خود نسبت به معماری ایرانی اسلامی‌شهر تهران بیان کنند. بر اساس نتایج تحقیق، پاسخ دهندگان به گروه صفت‌های شگفتی، تحسین، معنویت، زیبایی و عبارات ترکیبی بیشترین اشاره را کرده و این گروه از صفت‌ها بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

۲. روانشناختی ـ جزیی: برای سنجش ابعاد روانشناختی و جزیی انگاره شهروندان از ۱۳ افتراق معنایی استفاده شده است نتایج آزمون این بخش از تحقیق در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است، بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج **آزمون کای‌دو مربع تک نمونه‌ای** احساس شهروندان از جفت صفت‌های طیف‌های افتراق معنایی متمایل به صفتی است، که در جدول ۳ ارایه شده است.

همان طور که مشاهده می‌گردد صفات درون‌گرا و آرامش‌بخش از میان سایر صفات دارای بیشترین درصد فراوانی بوده‌اند؛ همچنین صفات جالب و نشاط‌آور دارای کمترین درصد فراوانی بوده‌اند.

نتیجه گیری و جمعبندی

آزمون فرضیه‌ای تحقیق نشان می‌دهد که معماری ایرانی ـ اسلامی نقش معناداری در **انگاشتهای ادراک شهروندی از معماری و فضاهای شهری معاصر** دارد. این بدین معناست که استراتژی‌های طراحی فضاهای شهری جدید بر اساس اصول و نص معماری و شهرسازی سنتی می‌بایست توجه ویژه‌ای به معماری ایرانی ـ اسلامی داشته باشند و در میان ابعاد متفاوت، مولفه‌های معماری بومی و ملی معماری را در اولویت‌های ترویجی

جدول ۳. صفات برگزیده در آزمون کای دو به همراه درصد فراوانی آن ها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس پرسشنامه.

صفت برگزیده	قابل توجه	جالب	هماهنگ	ظریف	خوشایند	معنوی	منحصر به فرد	غم انگیز	پیچیده	اسرار امیز	شهودی	درون گرا	آرامش بخش
درصد فراوانی	۸۳	۵۲	۹۲	۸۹	۸۸	۸۷	۸۷	۶۴	۷۶	۶۸	۵۹	۸۵	۹۵

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

قرار دهند. **به بیان دیگر معماری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم و نماد فرهنگ ایرانی برای شهروندان در نظر گرفته شود.** از طرف دیگر چارچوب‌های ارائه شده در بالا که در حقیقت پاسخی به سوال اصلی تحقیق می‌باشند بیانگر این واقعیت هستند که احساس کلی شهروندان نسبت به بناهای ایرانی- اسلامی‌که از آن بازدیدکرده‌اند، احساسی توام با شگفتی و تحسین و القای حس معنویت بوده است. این بدین معناست‌که فضای حاکم بر این بناها عواطف شهروندان را به شکل مثبتی تحریک و تغذیه‌کرده است. نکته‌ی قابل توجه دیگر در این بعد از انگاره اشاره‌ای معنی‌دار شهروندان به عبارات ترکیبی برای بیان احساسات خود نسبت به معماری ایرانی- اسلامی‌می‌باشد. صفاتی‌که در این نوع از معماری به خوبی تجلی یافته‌اند. در بعد روانشناختی-جزئی اکثر قریب به اتفاق شهروندان معتقدند‌که مهم‌ترین صفت‌هایی‌که می‌توان به‌کمک آن‌ها به توصیف معماری اسلامی‌پرداخت، عبارت‌اند از: آرامش‌بخش، درونگرا و معنوی و اسرارآمیز. این امر نشان می‌دهد‌که معماری ایرانی- اسلامی‌دارای جذابیت قابل توجهی برای شهروندان است و از طرف دیگر احساس تناسب و تعادل و هماهنگی همان‌گونه‌که معمار ایرانی آن را بیان کرده است، به خوبی به شهروندان منتقل شده به‌گونه‌ای‌که شهروندان معماری ایرانی- اسلامی‌را مملو از احساس هماهنگی، تعادل، توازن و تناسب می‌بینند.

از طرف دیگر اگر چه در نهایت توزیع فراوانی پاسخ‌ها به سمت صفت‌های آرامش‌بخش، درونگرا و هماهنگی بوده است اما در مقایسه با سایر صفت‌های انتخابی با اختلافی قابل توجه، نسبت کم‌تری از پاسخ‌دهندگان آن‌ها را برگزیده‌اند. این وضعیت را می‌توان به دو دلیل اصلی نسبت داد. دلیل اول را می‌توان این دانست‌که فضاهای معماری ایرانی اسلامی‌در انگاره شهروندان قابل توصیف با صفات قرار گرفته در هر دو سر طیف می‌باشد؛ به بیان دیگر معماری ایرانی اسلامی‌در ذهن شهروندان به دلیل توجه فرهنگی و بار فرهنگی کشور، بیشتر غم انگیز بوده و هم شهودی محسوب می‌شود؛ چراکه عملاً این فضاها تنها در مراسم عزاداری و نه صرفاً جشنها و اعیادکاربست یافته‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل بخش دوم پرسشنامه حاکی از این امر است‌که در انگاره شهروندان مناظر و بناهای معماری مولفه‌های زیبایی شناختی را تغذیه‌کرده‌اند و می‌توان اطمینان داشت‌که ترویج این بناها و این سبک از معماری نزد شهروندان تاثیر مثبتی بر انگاره آن‌ها از معماری خواهد داشت. از طرف دیگر می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری‌کرد‌که معماری ایرانی- اسلامی‌به خوبی توانسته است محتوا و معنای خود را به بازدیدکننده و شهروندان انتقال دهد، زیرا همان گونه‌که آدرنو معتقد است: میزان موفقیت زیبایی‌شناختی تابعی از میزان موفقت فرم در انتقال محتوا است. **در انتها پیشنهاد می‌شود که اصول و مولفه‌های معماری سنتی در طراحی فضاهای شهری و معماری امروز ایران، مورد توجه معماران و شهرسازان خاصه در حوزه طراحی فضاهای شهری و معماری حال حاضر قرار گیرد.**

منابع

۱. بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.

۲. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

۳. براند فری، هیلدر (۱۳۸۳) طراحی شهری به سوی یک شکل پایدارتر شهر، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

۴. بنتلی، یان (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، ترجمه: بهزادفر، مصطفی، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت

۵. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱) توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر، شماره سال ۱۳۸۱.

۶. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تاثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۷. حاج سید جوادی، فریبرز (۱۳۷۸) مسجد مدرسه ها، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.
۸. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۹. سلیمانی، محمد جواد (۱۳۷۸) معماری مسجد، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر آذرماه ۱۳۷۶.
۱۰. کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.
۱۱. گروتر یورگ کورت (۱۳۸۶) زیبایی شناسی در معماری، (چاپ چهارم)، (ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون)، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفه شماره۳۲، صص ۶۵-۳۸
۱۳. گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
۱۴. لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
15. Forty, Adrian (2000) Words and Buildings: A Vocabulary of Modern Architecture, Thames and Hudson, London.
16. Guiton, Jacques (1981) The Ideas of Le Corbusier on Architecture and Urban Planning, English translation by Margaret Guiton, George Braziller, Inc, Foundation Le Corbusier, New York
17. Hilberseimer, Ludwig (1964) Contemporary Architecture: Its Roots and Trends, Paul Theobald and Co, Chicago.
18. Ligo, Larry (1984) The Concept Function in Twentieth- Century Architectural Criticism, UMI Research Press, Michigan.
19. Michl, Jan (1995) Form Follow What? The Modernist Notion of Function as a Carte Blanche, In: www. Geocities.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]